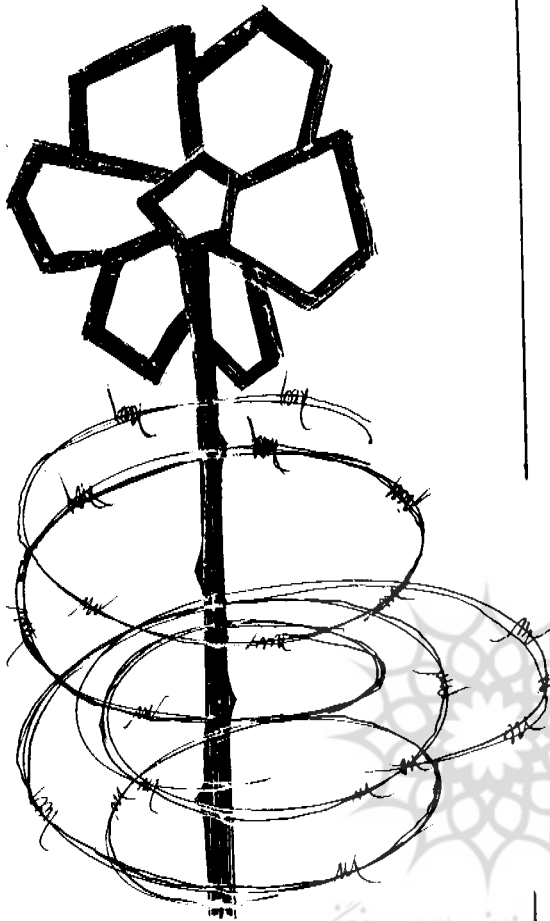


معلم آگاه برای متنبه ساختن شاگرد به خطای خود مراحل مختلفی را منظور نظر فرارمی دهد . بعضی خطاها آنقدر بزرگ نیست که مربی برای آن تنبیه شدیدی را در نظر گیرد . بعضی محصلین هم آنقدر ناجور نیستند که شدت عمل درباره آنها بخرج داده شود . خطاها و تخلفها مختلف است و خطا کارها و متخلفین هم مختلف می باشند .

مربی واقعی کسی است که در اعمال تنبیه تناسب عدالت را بطور دقیق اجرا کند . و اینجاست که ابتکار مربی آشکار می شود .

## تنبیه و

## تشویق



مراحل تنبیه

دهد . همین اشاره و کنایه محصل خطاکار را غیر مستقیم و بنحو مؤثر و شایسته ای بیدار و آگاه می کند ، و فرصت تفکر را درباره عمل خلافش به او می دهد ، و درعین حال شخصیت او را هم محفوظ می دارد . و مسلم است که در بیشتر موارد کنایه و اشاره گوئی از تصریح و آشکار کردن مطلب مؤثرتر و نتیجه بخشتر است . چنانکه گفته اند :

الکنایه ابلیغ من التصریح

(کنایه گوئی مؤثرتر از صراحت است)

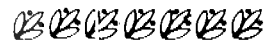
۲- در مرحله دوم که دانش آموز نافرمانی کرده است و خطای او کوچک نیست می توان او را خواست و خطایش را بصورت فردی نه در میان جمع به او

۱- معلم می تواند راههای مختلفی را در راهنمایی و تربیت محصل خویش انتخاب نماید . مثلاً "میتواند در مرحله ای که خطای محصل کوچک است خطا را در سرکلاس و یا برای جمع دانش آموزان طرح کند بی آنکه از خطاکار نامی ببرد ، و کوچکترین اشاره ای را متوجه او سازد . در پایان بحث معایب و ضررهای تخلف و همچنین آثار و خوبیهای وظیفه شناسی و اطاعت از حق را شرح

گفت ، البته به بیانی همراه با صفا و صمیمیت و با زبانی که محصل خطا کار بی نظری مری یا معلم خود را کاملا " ادراک نماید .

۳- در مرحله سوم که خطای محصل کمی بزرگتر است می توان علاوه بر آنکه بصورت فردی او را متوجه خطایش کرد از تخویف هم استفاده نمود ، و مثلا " به او گفت : اگر در آینده چنین خطائی را مرتکب شدی ناگزیر در میان جمع دانش آموزان معرفی خواهی شد .

البته معرفی شاگرد خلافکار وقتی است که یقین پیدا کنیم که اگر او را آشکارا معرفی ننمائیم گروهی را به گمراهی می کشاند . مریبی در اینگونه موارد می تواند از وسیله بهتری استفاده کند از قبیل محروم کردن شاگرد از بازی و یا از مسابقه ورزشی ، یا نوشتن چند مرتبه از روی یک درس به عنوان جریمه و . . .



باید دانست که معمولا " عطا کارها و نافرمانیهای محصلین در مدرسه و کلاس از این درجات بالاتر نمی رود تا نیاز به شدت عمل بیشتری ، پیدا شود .

در اغلب موارد اگر معلم از این راهها جهت راهنمایی و ارشاد محصل وارد شود ، نیازی به خشونت و استبداد و ایجاد محیط رعب و وحشت پیدانمی کند .

۴- گاهی در مرحلهای که خطای نوجوان بزرگ است می توان از راه قهر و قطع رابطه او را متنبه ساخت . و این از راههایی است که زیانش بسیار اندک و اثرش بسیار زیاد است . البته مقدار این قطع رابطه و قهر باید متناسب باشد . در این

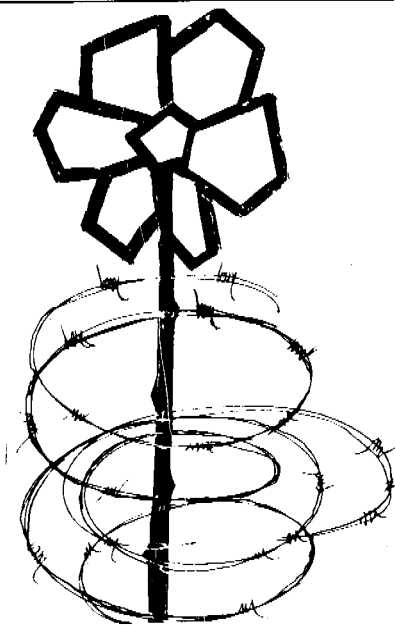
زمینه به راهنمایی امام هفتم توجه کنیم . شخصی نزد آن حضرت راجع به کودک خود شکایت کرد امام فرمود با او قهر کن ولی طول مده و زود آشتی کن .

گاهی دانش آموز تخلفی کرده و بوسیلهای تنبیه شده است ولی رفتار معلم پس از آن تنبیه طوری است که دانش آموز خودش را دردهن — معلم برای همیشه — خطا کار می بیند ، خطا کاری که بخشوده نشده و هیچگاه هم مورد عفو قرار نمی گیرد .

خلاصه آنکه محصل احساس می کند که بایک خطا برای همیشه در ذهن معلم خود منفور شده است در حالی که نباید این چنین باشد . بلکه پس از مرحلهای که محصل نسبت به تخلف خود تنبیه پیدا کرد معلم باید طوری با او رفتار کند که گوئی خطائی را مرتکب نشده است . بلکه معلم باید در صدد پیدا کردن رفتاری نیک از محصل خود باشد . و بمحض آنکه کار نیکی از او مشاهده کرد او را مورد محبت و تشویق قرار دهد . بسیاری نوجوانانی که معلم عزیزشان از همین طریق موانع ترقی را از سر راه فرزندان عزیزش برداشته و آنها را در راه سعادت و کمال راهنمای بزرگی شده و آنها را بکلی از زشتیها دور ساخته است .

### ۳- توبیخ

باید بدانیم همانطور که پاداش نیکی و قدرشناسی از عمل نیک و پسندیده موجب انبساط روحی و شادمانی فرد مورد تربیت می — شود و پس از آن طفل یاد دانش آموز می کوشد با تکرار عمل نیک رضایت دیگران را بیشتر فراهم سازد توبیخ هم موجب تاءثر روحی شخص می شود .



کمتر دچار اشتباه و انحراف از راه فطرت و طبیعت خواهیم شد. ما گفتیم که هدف تربیت شکفته کردن نیروها و پرورش استعداد های بزرگ و ارزنده ای است که آفریننده مهربان آنرا در وجود افراد بودیعت نهاده است تا آنها به این وسیله راه رشد و کمال و هدف اساسی حیات را یافته انسانهایی سعادتمند و با فضیلت و کامل گردند.

کودک یا نوجوانی که در محیط تعلیم و تربیت قرار گرفته است اگر کار خلافی را مرتکب شد، یا در اجرای کار نافرمانی کرد، و یا از روی جهل و غفلت عمل ناروایی را انجام داد یک پرورشکار و یک مربی لایق و ژرف اندیش می تواند بایمانی خوش و یا تذکارتی دوستانه و چهره ای محبت آمیز او را به ضررهای خطا و غفلت و نافرمانی او آگاه سازد و پیش از آنکه خطا و نافرمانی عادت او شود از آن جلوگیری نماید معنی تنبیه هم همین است. یعنی بیدار کردن فرد و حس انصاف در کودک یا نوجوان و مسلم است که مربی در مرحله اول وظیفه اش همین

کودک یا نوجوان بر اثر خلافاکاری خود و مواخذه دیگران پشیمان می شود، و احساس می کند که دیگران راز خود ناراضی کرده است. لذا تصمیم می گیرد که دیگر خطای خود را تکرار نکند و ارزش و شخصیت خود را نزد دیگران و در میان جامعه پائین نیاورد.

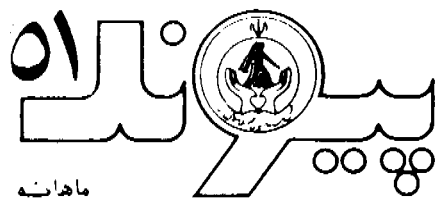
بعضی متصدیان آموزش و پرورش معتقدند که اگر محصلین در برابر کارهای خلاقشان توبیخ نشوند و نسبت به آنها شدت عمل بخرج ندهیم هرج و مرج در زندگی آنها پدید خواهد آمد. اینها طرفداران (جان لاک) هستند که می گفت خشونت و تشدید در امر تربیت رواست. غزالی هم در بعضی موارد معتقد بود که معلم باید با هیبت باشد، و از طریق تهدید و تخویف طفل را ادب کند. اگر طرفداران این نظر راه صحیح را یافته اند، از آنها می پرسیم: آیا شلاقها و تنبیهات پدران و مادران و مربیان آثار وخیم در روح اطفال و نوجوانان مابجا نمی گذارد؟ و بجای اینکه آنها را نسبت به محیط پرورش و آموزش نیک اندیش و امیدوار سازد و شوق فضیلت طلبی را در آنها ایجاد نماید به عناد و کینه و بدبینی و در نتیجه به انحطاط و انحراف نمی کشاند!!!

در حالی که می بینیم این روش تربیت گاهی آثار بسیار ناگواری را در میان یک ملت بجای می گذارد. چنانکه در گذشته ملت ما را همین نوع خشونت ها و تخویفها و تسلیم های بی چون و چرا فلج کرده بود. زیرا اطاعت کورکورانه و بردگی بیحد و حصر با شئون آزادی و با فطرت انسانی و قاموس کمال طلبی انسان اصلا سازگاری ندارد.

اگر هدف صحیح آموزش و پرورش را بیابیم

آگاه کردن است و باز مسلم است که مری با این روش اثر طبیعی و مطلوبی را در وجود فرد می‌گذارد. و واضح است که در چنین مواردی خشونت و توبیخ جز درهم کوبیدن شخصیت دانش‌آموز نتیجه و اثری ندارد و اگر نتیجه‌ای داشته‌باشد همان ارضای قوه غضب مری است و استفاده از حربه انتقام است نه عامل تنبیه و بیداری و هدایت.

عربی بادیه نشین برای گرفتن کمکی به مدینه آمد و بجهت آنکه پیامبر (ص) موفق نشد آنطور که شایسته‌است نیازش را برطرف کند زبان به جسارت باز کرد. مردم سخت عصبانی شده به او اعتراض نمودند. پیغمبر (ص) مردم را از خشونت نسبت به او بازداشت و اعرابی جاهل را به مهمانی دعوت کرد. او هنگامی که زندگی بسیار ساده و رفتار مهرآمیز رسول خدا را مشاهده کرد از جسارت خویش سخت پشیمان شد، و شروع به معذرت‌خواهی نمود. پیغمبر (ص) به او فرمود: این معذرت را در مسجد و در میان جمع تکرار کن تا مسلمانها کینه تو را در دل نگیرند. روز بعد اعرابی به مسجد آمد و در برابر مردم زبان به عذرخواهی گشود. یاران رسول خدا تبسم کردند. پیامبر فرمود مثل من و این نوع افراد مثل آن مردی است که شترش ریمیده بود، مردم بخیال آنکه به صاحب شتر کمک کنند فریادکنان به دنبال شتر دویدند. شتر از فریاد مردم وحشت بیشتر کرده صاحب شتر مردم را مخاطب ساخت که خواهش می‌کنم به شتر من کاری نداشته باشید. من خود بهتر می‌دانم که شترم را چگونه رام کنم.



ماهانه

## انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

وابسته به وزارت آموزش و پرورش

نشانی: تهران خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - خیابان فخررازی - پلاک

۷۴-۷۶

تلفن:

۶۶۶۴۴۸

۶۴۷۱۱۶

۶۴۲۶۲۱

# دیباه

طرح و تنظیم: هوشنگ موفوقاردستانی  
 بها تک شماره ۴ ریال - آئوبه سالانه ۴۰۰ ریال  
 متقاضیان می‌توانند وجه آئوبه را از طریق هر یک از شعب بانک صادرات در تمام نقاط کشور به حساب جاری ۸۰۴ به نام انجمن اولیاء و مربیان ایران بانک صادرات شعبه فلسطین سزاوار واریز نمایند و فیش آنرا به دفتر محله صندوق بستی شماره ۶۱/۱۲۵۵ ارسال فرمایند.

سما دارد برای مکاتبه و نقاضای آئوبه ان از صندوق بستی تهران شماره ۶۱/۱۲۵۵ اسفاده فرمائید.